



اندیشه‌های مصداق در آینه نگاه ماصر



گردآورندگان
حمیدرضا یوسفی
مهدی اصفهانی

بانویسندگانی همچون
عبدالله جوادی آملی
سیدمصطفی محقق داماد
عبدالرسول عبودیت
عبدالحسین خسروپناه
ابراهیم نوئی و...

... و ... پدید می آید. از جمله های صدرایی در آینه نگاه معاصر / با نویسندگانی همچون عبدالحق جواد آملی ... [و دیگران] : گردآورندگان حمیدرضا یوسفی و مهدی اصفهانی ... تهران : نشر ... و ... ۱۳۹۷.

مشخصات: تهران، پست روزگار نو، ۱۳۹۷.

مشخصات ظ ۱۸

فروست: هواريت فرماين: ۱-

شماره: ۹۷۲۹۸-۵-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: نویسندگانی همچون عبدالله زیدی آمدن، سید مصطفی محقق داماد،

عبدالحسين خسروپناه ، عبدالرسول عبود ، ...

موضوع: صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۵۰ق. -- نقد و تفسیر

Sadraddin Shirazi, Mohammad ebn Ebrahim -- Criticism and interpretation: موضوع

موضوع: صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ و الهام و خطابه‌ها

Sadradding *al-Muhammad ibn Ebrahim* -- *Addresses, essays, lectures: موضوعات

موضوع: صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق. فلسفه

Adradding shirazi, Mohammad ebn Ebrahim -- Philosophy: موضوع

موضوع: فلسفه اسلامی -- مقاله ها و خطابه ها

Islamic philosophy -- Addresses, essays, lectures : موضوعات

شناسه افزوده: جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۱۲ -

شناسه افزوده: Javadi Amoli, Abdollah

شناسه افزوده: یوسفی، حمیدرضا، ۱۳۴۶ -، گردآورنده

شناسه افزوده: اصفهانی، مهدی، ۱۳۵۳ فروردین -، گردآورنده

شناسه افزوده: اصفهانی، مهدی، ۱۳۵۳-

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۸ الف ۹ ی / BBR ۱۱۲۱

زده بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۲۵۱۷۷

مجموعه علمی و تاریخی ایران
پدیدآورندگان: حسن رضایی و مهدی اصفهانی

جلد نخست: اندیشه‌های صدرایی، د. آیت‌الله محمد باقر

ناشر: پگاه روزگار نو

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۹۸-۵-۲

ویراستار ادبی: یحیی امینی

آدرس: خیابان فخر رازی، پلاک ۵۶، ورودی دوم، طبقه دوم، واحد ۲۰۴

تلفن: ۸۸۸۰۷۱۸۸

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

تیمار در حواص

۱۶۰۴۹۶۹

درباره مجموعه علمی مواریث ائمه اربعین ۹۱

پیش درآمد ۱۱۱

یکم. مقدمات و شرح حال ۲۱

زمینه، زمانه و آثار ملاصدرا ۳۱
احمد علی حیدری

حکمت متعالیه؛ ابداع یا التقاط؟ ۴۷۱
سید مصطفی محقق داماد

جایگاه ملاصدرا در فلسفه اسلامی ۵۹۱
علی شیرخانی و حسین شیرخانی

دوم. ابعاد تفکر و ساختار فلسفه ۷۳۱

۷۵۱ معرفت شناسی از دیدگاه ملاصدرا
حسن پناهی آزاد

۹۱۱ منطق وجود از دیدگاه ملاصدرا
داود حسینی

۱۰۵۱ حرکت جمعی از دیدگاه ملاصدرا
سید احمد غفاری

۱۲۱۱ فلسفه از دیدگاه ملاصدرا
عبدالرسول عبودیت، مهدی پروچراغی

۱۳۹۱ انسان از دیدگاه ملاصدرا
مهناز معینی

۱۴۹۱ اخلاق از دیدگاه ملاصدرا
سیده فاطمه زارع حسینی و فهیمه شریعی

۱۶۱۱ سیاست متعالیه از دیدگاه ملاصدرا
عبدالله جوادی آملی

۱۷۵۱ روان شناسی از دیدگاه ملاصدرا
محمد رضا بهتاش

سوم. ابعاد دین، کلام، عرفان و تصوف ۱۸۹۱

خردورزی در دین از دیدگاه ملاصدرا ۱۹۱۱
ابراهیم نوئی

علم تأویل از دیدگاه ملاصدرا ۲۰۵۱
مسعود حاجی ربیع و لیلی صالحی

تحجید ذاتی خداوند از دیدگاه ملاصدرا ۲۱۹۱
محمد سعیدی مهر

سم الهی از دیدگاه ملاصدرا ۲۳۵۱
صدیق خوانساری موسوی

جبر و اختیار از دیدگاه ملاصدرا ۲۴۹۱
سما اکبری

معاد جسمانی از دیدگاه ملاصدرا ۲۶۱۱
ابوالفضل کلاه‌موسی

عشق از دیدگاه ملاصدرا ۲۸۵۱
محمدحسن وکیلی

عرفان و تصوف از دیدگاه ملاصدرا ۲۸۹۱
عبدالحسین خسروپناه و محمد قلی

چشم‌انداز صدراشناسی در ایران ۳۰۷۱

معرفی نویسنده‌گان ۳۱۷۱

پیش درآمد

نوشتن درباره شخصیت، فراسات و نظام ساز همانند صدرالدین محمد بن ابراهیم قوام شیرازی، معروف به ملا صدرا، صدرالمتألهین یا صدرالدین شیرازی، به عنوان یکی از متفکران شاخص گستره فلسفه اسلامی و تاریخ تفکر کار چندان آسان نیست. این دشواری نه تنها با پیچیدگی تفکر او پیوند دارد، بلکه گستردگی افق های اندیشه او انسان را بر آن می دارد که برای فهم همین آن سال ها تلاشی مستمر داشته باشد. صدرا در روزگار فرم روایی صفت به می زیست که شاه عباس اول، برجسته ترین چهره سیاسی آن است در همین عصر بود که تشیع به عنوان مذهب رسمی در ایران تثبیت گردید؛ رویدادی با پیامدهای بسیار که در تکوین هویت ایران و ایرانی نقشی موثر بر عهده دارد.

هدف مقدمه پیش رو، باز نمود زادگاه صدرالمتألهین و پاسخ به پرسش هایی از این دست نخواهد بود که او کجا تحصیل کرد، در

چه قریه‌ای عزلت گزید، در چه شرایطی بنای بزرگ فلسفی خویش را درافکند، کجا تا پایان عمر به تدریس مشغول شد. تشریح آثار و معرفی زوایای شخصیت فلسفی او نیز برای این مقدمه اهمیت ندارد. آنچه در اینجا مهم می‌نماید این است که جایگاه فلسفه او در تاریخ فلسفه اسلامی کجا است و چگونه می‌توان فلسفه متعالیه‌ی وی را به نسل جوان انتقال داد؟ گوهر بنای اندیشه صدرای آمیزه‌ای از فلسفه، عرفان، قرآن، حدیث و کلام است که سرچشمه‌های تاریخ تفکر در کانون فلسفه اسلامی را با پرسش‌ها و غدغده‌های زمان خود در هم می‌آمیزد. ستون چنین پیوندی را خرد و زمان تشکیل می‌دهد. صدرای در اسفار اربعه که یکی از شاهکارهای تاریخ فکر است، به نقد و کالبدشکافی جهان‌بینی دانشمندانی چون ابراهیم، سهروردی، غزالی، ابن عربی، طوسی، جلال‌الدین دوانی، نیشابوری، منصور دشتکی شیرازی و استادش میربرهان‌الدین محمد باقر شیرازی ملقب به میرداماد می‌پردازد و در پایان، منظومه فکری خود را بنا می‌کند.

نگاه روشمند و هدفمند صدرای با اتصال و رابطه او با زمین زیر پا و آسمان فراز سرش، بیانگر شناخت دقیق او را افکار و نوع نگاه این دانشمندان است. آنچه که صدرای را در خاستگاه با بسیاری از متفکران پیش و پس از او برجسته می‌کند، تفکر انتقادی او است که افق‌هایی جدید در حل مشکلات فلسفی باز می‌کند. فلسفه صدرایی، دعوت به اندیشه است؛ دعوتی است به نگاه بی‌کران و نقادانه به ساختار هستی و فهم جهان همیشه در حال تغییر که در حرکت جوهری کمال می‌یابد.

حال باید از خود چنین پرسید که «صدرای برای ما چه به ارمغان آورده است و ما با افق‌های اندیشه او چه کرده‌ایم؟»، «پیام فلسفه

صدرا چیست و از ما چه می‌خواهد؟»، «آیا او فصل الخطاب تفکر است یا اینکه چراغی است که به ما راهی را، روشی را و نوع جدیدی از تفکر را رهنمون می‌شود؟». باصراحت می‌توان صدرا را یکی از اوج‌های تفکر در تاریخ فلسفه اسلامی دانست که درباره او کم‌کاری شده است: کم‌کاری در شناخت گوهر فلسفه او، کم‌کاری در معرفی درست او و کم‌کاری در نهادینه کردن افق‌های اندیشه او در گستره زندگی علمی، اجتماعی، دینی و فرهنگی. روشن است که بیست و هشت مردم هنوز با نگرش این اندیشمند اُنسی نداشته و از بهیرت‌های او در حیات خویش بهره‌ای ندارند.

یکی از مدل‌های کاستی ساختاری در ایران را می‌توان در روش‌های تئوریک‌ماند جستجو کرد. علوم انسانی ما در ایران استادمحور نیست. مهم‌ترین پیش‌نیاز استادمحور نمودن ساختار آموزشی، تعریف کرسی‌داری استادان با وظایف و اختیارات گسترده است. در این چهارپو، استاد و کرسی او یک مؤلفه شکل‌دهنده به ساختار فکر، تحقیق و تدریس در دانشکده و به وجه بیرونی دانشگاه در ایران و جهان است. استاد در کرسی و در مسیر تحقیقاتش از دانشجوی رشته کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مطالبه تولید فکر بکر می‌کند و در این زمینه بسیار سخت‌گیر و دقیق است. در چنین شرایطی، استاد در سازش علم انسانی کشور، مهم‌ترین نقش را در خودشناسی علمی دانشجویان و تولید علم و فن‌آوری خواهد داشت.

استادمحوری آن‌ها در علوم انسانی به دانشجویان امکان را خواهد داد که در کانون تحقیقات خود - مثلاً صدراشناسی - به‌طور مستقل دوباره به اصل صدرا و فلسفه او برگردد و آغازی دوباره داشته باشد و افق‌های تفکر او را با نوآوری در حوزه‌های

صدراشناسی گسترده‌تر کند. پژوهش استادمحور در صدراشناسی به تولید تفکر استنباطی کمک می‌کند، تمرکز علمی را ارتقا می‌دهد، به ارائه رساله‌های بکر و مستقل علمی کمک می‌کند و در نهایت باعث نوآوری علمی می‌شود. با استادمحور نمودن علوم انسانی می‌توان متخصصانی مجرب و کارآمد تربیت کرد که افق‌های اندیشه صدر را به میدان زندگی می‌برند. وانگهی استادمحوری در علوم انسانی باعث خواهد شد که فلسفه صدرایی به حوزه و دانشگاه محدود نشود؛ بلکه در میان نسل جوان و فرهیخته کشورمان جایگاه اصلی و فراموش شده خود را بازیابد.

بی‌گمان در دستگاه و تفکر استادمحور در ایران پیشینه‌ای طولانی همچون پیشینه علوم انسانی و علوم طبیعی دارد که می‌توان و باید آن را احیاء کرد. دوری‌هایی که متفکران ما به تربیت شاگردانی می‌پرداختند که تربیت‌آزادها صاحب نظرانی منتقد و مستقل در حوزه علم و اندیشه می‌شدند. ابوسلیمان سجستانی، شاگرد فارابی بود که فلسفه اسلامی را شکاکا بندی کرد. بهمنیار، شاگرد ابوعلی سینا است که خود اندیشمند و تیرین است و علامه حلی، شاگرد خواجه نصیرالدین طوسی است که خود صاحب نظر است. بیداری دوباره این نظام و تفکر استادمحور، نیازمند انرژی عظیمی به صدراشناسی در ایران وارد کند و چرخ‌های این علم انسانی را در ایران به حرکت درآورد.

در چارچوب کرسی‌های استادمحور صدراشناسی می‌توان همه زوایای آثار صدر را با نگاهی مبتنی بر اصول پژوهش سیستمی و مفهوم‌شناسی عمیق و نوآورانه مورد بررسی دقیق قرار داد. انسان‌شناسی، روان‌شناسی، تأویل‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست‌شناسی و اندیشه‌شناسی بخشی از این زوایای نوآورانه را

در کانون صدراشناسی تشکیل می‌دهند که در عمل باعث درک و گسترش افق‌های اندیشهٔ صدرا در نهادهای علمی، اجتماعی، دینی و فرهنگی خواهد شد. درون‌مایهٔ آثار صدرا بیش از آن چیزی است که تاکنون مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته است. زندگینامه، نوع نگاه مبتنی بر روش و حوزه‌های فعالیت‌های فکری که انادیشمند، مبانی علوم انسانی تاریخی، نظام‌مند و تطبیقی را فراهم می‌کند. کتاب پیش رو به همین منظور طراحی شده است. این مجموعه دارای نوزده جلوه از اندیشهٔ صدرا و فرازهای فلسفهٔ او است که اسنادی از حوزه و دانشگاه در سه فصل، آن را از زوایای گوناگون مورد پژوهی قرار داده‌اند. در پایان کتاب، فهرست «معرفی نویسندگان» نیز آمده است.

در فصل اول به «مقدمات شرح حال صدرا» پرداخته شده است که در برگیرندهٔ سه مقالهٔ زمینه، زمانه و آثار، «حکمت متعالیه؛ ابداع یا التقاط؟» و «بنیاد ملامت‌صدرا در فلسفهٔ اسلامی» است.

در مقالهٔ آغازین احمدعلی حیدری، زمینه، زمانه و آثار صدرا می‌پردازد. وی در وهلهٔ نخست تحلیلی کردار «از شرایط تاریخی، فرهنگی و سیاسی روزگار نشو و نما»ی او به دست داده و نشان می‌دهد که در این روزگار چه مؤلفه‌هایی امکان نوعی رهنمایی را میان دو رویکرد متفاوت فکری در ایران فراهم کرده بود. حیدری مترصد است امکان و شرایط ظهور فیلسوفانی مثل صدرا را بررسی نموده که کوشیده‌اند میان حکمت و فقاہت به‌گونه‌ای آشتی و پیوند دهند، و در عین حال نشان دهد که چگونه این موازنه به تدریج به سمت و سویی مبتنی بر رجحان فقه و فقیهان تغییر جهت می‌دهد. بخش پایانی مقالهٔ ایشان ناظر به معرفی آثار مهم

صدرا است. مقاله در نهایت با اشاره به بخش‌هایی از اسفار اربعه، به وحدت دو وجه نظری و عملی مشرب صدرالمتألهین می‌پردازد. سیدمصطفی محقق داماد در راستای این نگاه به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا حکمت متعالیه نوعی ابداع یا سراسر التقاط است؟ او با به بحث گذاشتن نگاه فلاسفه پیش و پس از صدرا در پی پاسخ به این پرسش است که آیا به‌طور خاص اسفار صدرا را مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و نوشته‌های متفکران پیشین یا هم‌عصر او تشکیل می‌دهد یا اینکه می‌توان این اثر را یک نوآوری اساسی در دانون فلسفه تلقی کرد که راه‌هایی جدید برای رسیدن به معرفت و فهم هستی‌ترسیم می‌کند. محقق داماد اسفار را به‌خاطر طرح بنیادین مسئله «بود» یک اثر بی‌بدیل در تاریخ فلسفه می‌داند که کسی تا به امروز به آن از این زاویه ننگریسته است. محقق دو اصل زیربنایی تفکر صدرایی، «اصالت وجود» و «وحدت تشکیکی حقیقت وجود» را تبیین و تفاوت پیرامون حقیقت و ساختار جهان تلقی می‌کند.

علی و حسین شیرخانی، پژوهشگران و ارزیابی محقق داماد به دنبال بررسی نسبت اندیشه صدرا و جایگاه آن در چشم‌انداز عمومی فلسفه اسلامی هستند که پرسش‌های زیر و کتب مشایی و اشراقی فلسفه اسلامی ظهور کرده است. علی و حسین شیرخانی در آغاز به مکاتب فلسفی پیش از صدرا پرداخته و سپس هم‌چون محقق داماد به پاسخ این پرسش می‌پردازند که آیا صدرا صرفاً شارح گرایش‌های فلسفی قبل خود بوده یا اینکه صدرا دستگاه‌های فلسفی مشایی و اشراقی، اندیشه‌های عرفانی پیش از خود و کلام مبتنی بر عقل و نقل را در بر گرفته و یک دستگاه مستقل فکری سامان داده است. علی و حسین شیرخانی بر این باوراند که صدرا

با روش‌شناسی چندوجهی و میان‌رشته‌ای، و مفهوم‌سازی جدید که دو عنصر مهم در پدید آوردن نظریه‌های علمی هستند، مکتب نوین خود را که تحت عنوان «حکمت متعالیه» شناخته می‌شود، تثبیت و تقویت نموده و کاستی‌های هریک از مکاتب قبلی را برطرف نموده است.

فصل دوم نیز به «ابعاد تفکر و ساختار فلسفه صدر» می‌پردازد که شامل هشت مقاله پیرامون «معرفت‌شناسی»، «منطق وجود»، «حرکت هری»، «علم النفس»، «انسان»، «اخلاق»، «سیاست» و «روان‌شناسی» است.

حسن بن‌اسی آزاد در این مقاله، دو جنبه هستی‌شناسی و حکایت‌گری به معنای معرفت‌شناختی معرفت را بررسی می‌کند. از نظر او صدر در نخستین مبنایی‌ترین گام از هستی‌شناسی معرفت، معتقد به «هم‌سنجی معرفت با وجود» است؛ لذا «تعریف منطقی» معرفت را ناممکن می‌داند. صدر در معرفت‌شناسی، به جنبه حکایت‌گری و واقع‌سنجی معرفت پرداخته است. او در این نگاه، معرفت را به «صورت حاضر ذهن عالم» تعریف کرده است. وی در مسئله امکان معرفت، تمسک به معرفت حسی و عقلی از واقعیت‌های هستی را ممکن می‌داند. ادعاهای سوفسطائیان و شکاکان در نفی امکان معرفت به جهت خطای حس و عقل را نقد ورد کرده است. از نظر حسن پناهی آزاد، ابزارهای معرفت را متناظر با مراتب وجود، و نیل نفس به معرفت را حاصل ارتقای نفس در مراتب وجود می‌داند. صدر در تعریف صدق، معتقد به نظریه مطابقت است و در اثبات صدق، مبنای آن است. مبنای آن او به این معنا است که باید همه قضایای نظری به قضایای بدیهی و همه قضایای بدیهی به اصل استحالة اجتماع

نقیضین منتهی گردند. قضیه‌ای که حتی منکر آن نیز با اتکای به آن سخن می‌گوید.

داود حسینی به این مسئله می‌پردازد که آیا «وجود» از نظر صدرا می‌تواند در جایگاه محمول قرار گیرد؟ از نظری یک مسئله در باب منطقی وجود این است که آیا به لحاظ منطقی نیز وجود می‌تواند در جایگاه محمول قرار بگیرد؟ خوانش رایج نظر صدرا این است که در شکل منطقی جملاتی نظیر «انسان موجود است»، «وجود» همواره در جایگاه موضوع قرار می‌گیرد و موضوع این جملات در جایگاه محمول. حسینی در ابتدا نشان می‌دهد که خوانش رایج با برخی بن‌های صدرا دچار ناهمخوانی است. همچنین، وی دلایلی ارائه می‌کند که صدرا بین دو دسته از جملاتی که در شکل زبان طبیعی آنها «وجود» در جایگاه محمول قرار دارد، تمایز می‌گذارد: آن‌هایی که موضوعشان امر جزئی است و آن‌هایی که موضوعشان امر کلی است. در مورد دسته نخست، خوانش رایج با کمی اصلاح درست است؛ اما در مورد دسته دوم، از نظر صدرا «وجود» هیچ نقشی در شکل منطقی جمله ندارد؛ حسینی نتیجه می‌گیرد که از نظر صدرا، در شکل منطقی هیچ جمله‌ای، «وجود» در جایگاه محمول قرار نمی‌گیرد.

سید احمد غفاری معتقد است که «تغییر در موضوع‌هایی مهم در اندیشه فلسفی است؛ فیلسوفان مسلمان، تغییر را در دو قسم «حرکت» و «کون و فساد» مورد بررسی قرار داده‌اند. در بین مباحث فلسفی معطوف به بحث تغییر، امکان تغییر در جوهر، از دیرباز مورد توجه فیلسوفان در مکاتب سه‌گانه فلسفی بوده است؛ فیلسوفان مکتب مشاء و اشراق، با عنایت به معضلاتی همچون لزوم ثبات موضوع حرکت و یا لزوم بقای نوع در بستر حرکت، امکان

حرکت در جوهر را انکار نموده و تنها به امکان کون و فساد روی آورده‌اند که قسم دیگر تغییر است. در این میان، صدرا به عنوان مؤسس مکتب «حکمت متعالیه»، امکان حرکت در جوهر را اثبات نمود و همه اشکالات و شبهات فیلسوفان پیش از خود را پاسخ داد. اثبات امکان حرکت در جوهر در حکمت متعالیه، نیز به عنوان راه حل برای شمار دیگری از معضلات فلسفی همچون حدوث عالم، ربط متغیر به حادث و ارتباط نفس و بدن، محسوب می‌شود. غنای گزارشی اجمالی از هویت تغییر و اقسام آن ارائه نموده و سپس به بررسی انتقادی دیدگاه دانشمندان پیشاصدرایی در خصوص حرکت جوهری و گزارش تحلیلی درباره دیدگاه صدرا در موضوع حرکت جوهری و آثار فلسفی و تربیتی این نظریه پرداخته است.

عبدالرسول عبودیت را معانی سروچراغی به مسئله علم النفس صدرا در مقایسه با ابن سینا می‌پرسند. ابن سینا از نظر این دو محقق، نفس انسان را جوهر مجردی می‌داند که در حدوث به بدن مادی وابسته است، اما ارتباط با بدن را ذاتی نفس نمی‌داند. بنابراین نفس در هنگام حدوث ذاتاً مجرد است؛ همان طور که هنگام بقاء نیز ذاتاً مجرد است. او تنها قائل به تنزیر عرضی - و نه جوهری - در نفس است. همچنین ارتباط نفس با بدن را توسط قوایی می‌داند که نفس - به نوعی - علت آنها است، به طریقی که افعال این قوا به نفس هم منتسب است. عبودیت و سروچراغی نظام فلسفی ابن سینا را دارای مشکلات جدی در مسئله نفس دانسته‌اند که ریشه اکثر آنها را در غفلت از اصالت وجود و اعتباریات ماهیت جستجو می‌کنند و نشان می‌دهند که از دیدگاه صدرا، برخی آرای ابن سینا اساساً پذیرفتنی نیست و برخی آرای

درست و او نیز فاقد تبیین فلسفی مقبول است. صدرالمتألهین می‌پذیرد که نفس جوهری ذاتاً مجرد است که با حدوث بدن حادث می‌شود، ولی در عین حال آن را در هنگام حدوث، جسمانی می‌داند نه مجرد؛ و برای آن حرکت جوهری اشتدادی قائل است. این دیدگاه منشأ آرا و تبیین‌های جدید در مورد نحوه وجود و بقاء نفس، ارتباط آن با بدن و مسائل مهم دیگری شده که عبودیت و سروچراغی به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنند.

مهناز جعفریه به بررسی نشانه‌های «انسان کامل» از نگاه صدرا می‌پردازد تا با تکیه بر نظریه‌ها و مباحث او یک تجربه عملی موفق و قابل تکرار در سیرانسان تا مرحله شهود و فنای فی‌الله - محو در ذات الی - ارائه دهد. جعفریه در ادامه، بحث رساله سه اصل صدرا را به دلیل جامع و مانع بودنش، یعنی حالتی که نیاز به ورود هیچ بحث دیگری نباشد، پیرامون مراحل و مراتب طی طریق، اثری جدید در تاریخ فلسفه و عرفان اسلامی می‌داند که با تقسیم‌بندی‌ها و اشتقاق‌های ظریف و طرح دیدگاه‌های ادغامی ناظر به اندیشه فلسفی - دینی - عرفانی مسیر و چگونگی اتصال انسان به کمال را مشخص می‌کند.

سیده فاطمه زارع حسینی و فهیمه شریعتی در جستجوی معنا، چیستی و جایگاه اخلاق در «حکمت تبیینی» صدرا به بازخوانی و واکاوی آثار صدرا با تکیه و تأکید بر مفاهیم الغیب و رساله سه اصل می‌پردازند. زارع حسینی و شریعتی در باب تمایز بین قوه عقل نظری و عقل عملی، درصدد تبیین اخلاق از دیدگاه صدرا هستند. آنان در پاسخ به این پرسش که آیا بین مبانی بنیادین حکمت متعالیه از قبیل اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری از یک سو و اخلاق از سوی دیگر رابطه‌ای برقرار

است، پاسخ مثبت می‌دهند. از نظر زارع حسینی و شریعتی نقش و جایگاه بی‌بدیل اخلاق در حکمت متعالیه، نقش آفرینی در تمایز میان نفس انسان از سایر نفوس است. تحقق کامل عقل نظری و عقل عملی - اخلاق - دو قوه اختصاصی نفس انسان منجر به سیر سالک به سوی بی‌نهایت و نیل به کمال مطلق و کسب سعادت می‌شود. صدرا در رسیدن به کمال حقیقی انسان، برای دو صفت حکمت و حریت، نقشی کلیدی قائل است و حریت را روی دیگر سکه اخلاق می‌داند. اخلاق و نحوه تکوین آن و تبدیل حالات به ملکات، اثر تکرار و مداومت از دیگر دقت‌های صدرا است که در واقع، آموزش گام‌های عملی برای تزکیه و زیباسازی ارکان باطن و رسیدن به سعادت است.

عبدالله جوادی آملی در برابر این پرسش که سیاست در اندیشه صدرا تحت عنوان «سیاست متعالیه» از منظر «حکمت متعالیه» از چه مبانی و جایگاهی برخوردار است، این‌گونه پاسخ می‌دهد که صدرا انسان را حی متألّه می‌داند نه حیوان ناطق. براساس حکمت متعالیه، دنیا و آخرت انسان به دست خدا او ساخته می‌شود و تنظیم این امر در عالم دنیا با سیاست متعالیه صورت می‌گیرد. جوادی آملی مبانی و مؤلفه‌های «سیاست متعالیه» را از منظر «حکمت متعالیه» تحلیل و تبیین می‌کند. امیدواریم که این موضوع مهم و حساس در مقالات بعدی مورد ژرف‌اندیشی قرار بگیرد.

محمدرضا بهتاش به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان براساس روان‌شناسی موجود، در «حکمت متعالیه» از دوگانه‌انگاری نفس و بدن گذر کرد یا نه. به نظر او، از آنجا که روان‌شناسی صدرا بر دیدگاه خاص او در مورد نفس و ارتباط آن

با بدن مبتنی است، برای پاسخ به پرسش مذکور باید به دیدگاه صدرای در زمینه نفس و ارتباط آن با بدن پرداخت. بهتاش پس از این تحلیل نتیجه می‌گیرد که براساس امکانات «حکمت متعالیه» در مورد نفس و ارتباطش با بدن، نفس با بدن و قوای خود به نحو حیثیت تقییدی شأنی دارای اتحاد و بلکه عینیت وجودی است، به طوری که دوگانگی میان نفس و بدن برداشته شده و بدین ترتیب می‌توان از مسئله دوگانه‌انگاری نفس و بدن گذر کرد.

فصل سوم کتاب به «ابعاد دین، کلام، عرفان و تصوف در فلسفه صدرای» می‌پردازد که هشت مقاله را پیرامون «عقل»، «علم تاریخ»، «توحید»، «علم الهی»، «جبر و اختیار»، «معاد»، «عشق» و «عرفان و تصوف» در بر می‌گیرد.

ابراهیم ربی به مردم براندیشه‌های صدرای به این پرسش پاسخ می‌دهد که خردورزی در این چه فوایدی را به دنبال دارد؛ آیا چون متدین هستم، اجازه خردورزی در دینم را دارم یا اینکه چون دین‌مدار هستم چاره‌ای از خردورزی ندارم. پرسش‌هایی که ممکن است متدین را به تلقی خردورزی با فراخردی - فراعقلانی - و یا خردپذیری دین برساند. صدرای خردنویسنده مقاله، دین را خردناستیز می‌داند. او با فراخردی همه گزاره‌های دینی مخالفت می‌کند، هرچند وجود برخی گزاره‌های فراخرد در دین را انکار نمی‌کند. صدرای خردپذیری گزاره‌های اعتقادی دین، اصول گزاره‌های اخلاقی و عقلانی بودن تعبد نسبت به گزاره‌های فقهی - حقوقی دین هم سخن می‌گوید. نویسنده می‌کوشد نشان دهد که صدرای به نقش‌ها و فواید هشت‌گانه‌ای برای خردورزی در دین قائل است: ۱. درک و فهم گزاره‌های دینی ۲. تبیین این گزاره‌ها ۳. انسجام بخشی بین آن‌ها ۴. اثبات آن‌ها ۵. ابطال عقاید باطل

۶. پاسخ به شبهات ناظر به گزاره‌های دینی ۷. جلوگیری از ورود خرافات در دین ۸. ترویج آزاداندیشی و پرهیز دادن از تقلید و تعصب بدون دلیل.

مسعود حاجی ربیع و لیلی صالحی به بررسی مبانی معرفت‌شناختی تأویل در اندیشه عرفانی صدرای می‌پردازند. به عقیده آن‌ها در فضای «تفکر عرفانی»، مقوله «تأویل» نه تنها عنصری مؤثر در فهم قرآن و متن‌های روایی است، بلکه به عنوان کلید فهم همه مناسبات حتمی در عالم هستی به شمار می‌رود. بهره‌گیری از روش تأویل در تفاسیر آفاقی و نفسی صدرای، مؤید بسیار خوبی بر غلبه تفکر عرفانی در فضای اندیشه‌ورزی وی به شمار می‌رود. حاجی ربیع و صالحی در جستجوی مبانی تأویل در تفکر عرفانی صدرای، اصلی‌ترین این مبانی را دارای بطون دانستن انسان، قرآن و عالم هستی معرفی می‌کنند. این وجود، این نویسندگان معتقدند که این مبانی، در سه محور عمده یعنی شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی قابل بررسی و پژوهش است؛ اما به دلیل اهمیت موضوع شناخت معرفت در راستای تأویل متن‌های دینی، بحث خود را به بررسی این مبانی با محوریت معرفت‌شناختی، محدود می‌کنند. در این راستا، ضمن طرح نظریه تأویل صدرای تحت عنوان «راسخان در علم» به بررسی مبانی معرفت‌شناختی یا مبانی می‌پردازند.

سعیدی مهر به بررسی توحید خداوند از دیدگاه صدرای می‌پردازد. اصل توحید و یگانگی خداوند از مهم‌ترین اصول اعتقادی آیین اسلام به شمار می‌آید و بیان «لا اله الا الله» در رأس اصول اسلامی قرار دارد. دور از انتظار نیست که صدرای به مثابه فیلسوفی مسلمان به صورت گسترده به مبحث توحید خداوند بپردازد. برپایه یک

تقسیم‌بندی متعارف، توحید خداوند در سه بخش «توحید ذاتی»، «توحید صفاتی» و «توحید افعالی» قابل طرح است. به دلیل گستردگی فراوان بحث، سعیدی مهر تنها به بخش نخست، یعنی توحید ذاتی می‌پردازد. در یک برداشت اولیه، مقصود از توحید ذاتی، یگانگی خداوند است؛ به گونه‌ای که خدای دیگری قابل تصور نیست. به تعبیر رایج در میان فیلسوفان مسلمان، تنها یک «واجب الوجود بالذات» در جهان وجود دارد و تحقق واجب الوجود دیگر ممتنع است. سعیدی مهر رویکرد صدرا را به بحث توحید ذاتی با «رویکرد «متافیزیکی» و «الهیاتی» تقسیم می‌کند. از منظر سعیدی مهر، صدرا در رویکرد متافیزیکی خود با الهام از آموزه‌های عارفان به ثبات وحدت شخصی وجود می‌پردازد و از آنجا که وجود مطلق از عروج به جوب- برخوردار است، وحدت شخصی وجود به معنای وحدت واجب الوجود- یا همان توحید ذاتی خدا- خواهد بود. صدرا رویکرد «الهیاتی» را در بخش الهیات بالمعنی الاخص فلسفه خود اتخاذ می‌کند. سعیدی مهر سرانجام ضمن مروری بر دیدگاه‌های صدرایی به دلایل قبلی توحید، مواضع ابتکاری وی در باب اثبات توحید ذاتی را تشریح و تحلیل می‌کند.

صدیقه خوانساری موسوی به بررسی رابطه بین «علم الهی و عمل انسان و نقش دعا می‌پردازد. در این راستا «علم الهی» اعمال انسانی» و «قضا و قدر الهی» نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. این پرسش که چه کسی مسئول اعمال انسان است، قدمتی به اندازه علم کلام دارد. در رابطه با این پرسش، موضوعی دیگر هم مطرح می‌گردد و آن «علم الهی» و «نقش دعا» است که ارتباطی تنگاتنگ با موضوع «خلق الاعمال» صدرا دارد. از آنجا که علم الهی،

ازلی و ابدی است و براعمال انسانی اشراف کامل دارد، هرآنچه انسان انجام می‌دهد، مطابق با علم الهی است و انسان قادر به تغییر دادن علم مطلق الهی نیست. با این حال در اندیشه اسلامی نقش خاصی برای دعا و به تبع آن استجابت مطرح می‌شود. صدرا در رساله خلق الاعمال و رساله دیگری که مفصل‌تر است، به موضوع «جبر و اختیار» از دیدگاهی نو پرداخته است و در همین رابطه رساله مفصل‌تر دیگری نیز تحت عنوان رساله فی القضاء و القدر دارد که مسوئی آن را در ارتباط با مسئله علم الهی مورد بررسی قرار می‌دهد.

رضا آخوندی، مباحث صدرا در مسئله جبر و اختیار را در دو بخش انتقادی و تفسیری ارائه قرار می‌دهد. او نشان می‌دهد که صدرا با بهره‌گیری از سبیل سار یک چشم دو نظریه تفویض و جبر را نقد کرده است. گروه متناهی با چشم پست، تنها به علت‌های قریب توجه کرده و معتقد به سربیز شده‌اند. گروه دیگر با چشم راست، تنها به علت نهایی توجه کرده و معتقد به جبر شده‌اند. صدرا با استفاده از اصطلاح «امر بین الامرین» نظریه صحیح را جمع میان جبر و اختیار معرفی می‌کند. از لحاظ تاریخی، او با ذکر پنج تلقی نادرست از این اصطلاح، ارائه تلقی صحیح از آن را با استفاده از اصول فلسفی خود از جمله اصالت وجود و خروجی میسر می‌داند. اکبری استدلال صدرا را بردرستی برداشت خود استدلالی تبیینی می‌داند. هرچند که هریک از وجودهای معلول، عین فقر به خداوند بوده و حکمی استقلالی از خود ندارند، اما می‌توانیم وجود آن‌ها را به خودشان نیز نسبت دهیم. به همین منوال مقام فعل یک وجود نیز عین فقر نسبت به خداوند است؛ اما می‌توانیم آن مقام را به خود آن وجود نیز نسبت دهیم. صدرا برای

انتقال برداشت مناسب از این مفهوم، اصطلاحی را به کار می‌برد که می‌توان آن را «اختیار جبری» و «جبر اختیاری» نام نهاد. اکبری نشان می‌دهد که صدرا در کنار استدلال تبیینی، با نگاهی عرفانی مؤیدهای قرآنی و روایی نیز ارائه کرده است.

ابوالفضل کیاشمشکی به دنبال پاسخ به این پرسش است که صدرا چه تبیینی از معاد جسمانی ارائه کرده است. پیش از وی، براهین درخور عقلی، بر اثبات معاد روحانی اقامه شده بود؛ اما اثبات و تبیین عقلی-برهانی معاد جسمانی مشکل می‌نمود. صدرا با اثبات تشکیکی بودن «وجود جسم» و «وجود نفس» به این نتیجه رسید که علاوه بر جسم طبیعی-عنصری که در طبیعت همراه با نفس است، مراتب دیگری از جسم و جسمانیت وجود دارد که هرچند در بیان از صفات همچون جسم طبیعی-عنصری هستند، ولی در برجهای دیگر از ویژگی‌ها با این جسم تفاوت دارند. او ثابت کرد، روح انسان به راز جدایی از جسم طبیعی در اثر مرگ دارای جسمی دیگر در مرتبه‌ای دیگر از مراتب وجود می‌شود که در شریعت به آن برزخ می‌گویند. در روز حشر هم، در بدنی اخروی و متناسب با حیات ابدی اخروی زندگی تازه را آماده ورود به بهشت یا دوزخ ابدی اخروی می‌شود؛ بنابراین صدرا در کنار اثبات حیات جسمانی آدمی در برزخ و قیامت، به این نتیجه نیز می‌رسد که مرتبه وجودی جسم دنیوی با مرتبه وجودی اجسام برزخی و اخروی متفاوت بوده و راز رخدادهای عجیب برزخی و اخروی نیز که در آیات و روایات بیان شده، همین تفاوت تشکیکی و مرتبه‌ای این اجسام است.

محمدحسن وکیلی به تعریف اقسام و آثار عشق از منظر صدرا می‌پردازد. او معتقد است که عشق از نظر صدرا به معنای «حالت

لذت نسبت به یک چیز» است و عشق به امور موجود و معدوم، و مجرد و مادی تعلق می‌گیرد. صدرا از دو گونه عشق سخن می‌گوید: عشق عمومی موجودات و عشق انسان. عشق انسان یا حقیقی است یا مجازی؛ عشق حقیقی فقط عشق به خالق است؛ چون همه خوبی‌ها از آن اوست و دیگران هرچه دارند، عاریه است؛ آن عشق به غیر خداوند به جهت خوبی‌هایش در حقیقت عشق به خدا است. عشق مجازی، عشق به غیر خدا است. ریشه عشق انسانی، گرسنگی، تناسیب روحی عاشق و معشوق است و گاهی شهوت نیز در آن تأثیر می‌گذارد. در عشق شهوانی بدن معشوق برای عاشق لذت‌بخش است و در عشق غیر شهوانی لذت از اخلاق معشوق است. عشق مجازی غیر نفسانی، انسان را از دنیا کنده و به خود مشغول می‌سازد؛ ولی عشق شهوانی، مادی است و با فروکش کردن شهوت تمام می‌شود.

عبدالحسین خسروپناه و محمد قمی به بحث پیرامون عرفان و تصوف از دیدگاه صدرا می‌پردازند. عرفان و تصوف، جریان‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی است که دارای دستاوردهای متعدد و حائز اهمیت از جمله عرفان نظری، عرفان عملی و علوم مربوط به آن‌ها است. این جریان، در اثر سیر تطوّر تکاملی‌اش، به‌دور بعد از آمیختگی با معارف تشیع، وزانتی خاص و جایگاهی رفیع در دنیای اسلام یافته و توجه عموم مردم را به خود جلب کرد. این راه همین امر، راه سوء استفاده را نیز گشوده است. خسروپناه و قمی نشان می‌دهند که صدرا با برخورداری از منابع معرفتی اصیل، یعنی عقل در کنار نقل و کشف، علاوه بر دستیابی به معارف عارفان، توانست نظامی حکمی را ارائه کند که دربردارنده علوم مربوط به عرفان نظری و عملی است. صدرا در آثار گوناگون خود، عرفان

و عارفان حقیقی را ستوده، راه را بر طالبان حقیقت گشوده و عارف‌نمایان دروغین را به شدت نکوهش کرده است که خسروپناه و قمی به بررسی گوشه‌هایی از آن می‌پردازند.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم که از حاج آقا مصطفی گیلی بزرگوار تشکر فراوان کنیم؛ زیرا این کتاب بدون کمک و مساعدت ایشان نمی‌توانست با این کیفیت منتشر شود. این کتاب پس از انتشار در ایران به زبان آلمانی ترجمه و در کشور آلمان منتشر خواهد شد. همچنین از آقای دکتر ابراهیم نوئی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی به خاطر ویرایش متن و کمک‌هایشان، آقای دکتر مینم پلباسی و خانم دکتر صدیقه خوانساری موسوی به خاطر مساعدت‌هایشان و نشر «پگاه روزگار نو» برای انتشار پروژه سپاس‌گزاریم. امید داریم که تلاش نویسندگان این مجموعه گامی برای ایجاد کرسی ماء السدراسناس در کشور عزیزمان باشد.

حمیدرضا یوسفی

و مهدی اصفهانی

آلمان

آوریل ۱۸ (۱۳۹۷ دین)